

* * *

حکومت بنی امیه دوران و احتضار، خود را طی می‌کرد که امام صادق (ع) پس از وفات پدر بر گور او ایستاد و فرمود: «بجزی نگذشت که حکومت بنی امیه بر ایام همیشه از صفحه حیات محو شد و بنی عباس، بر سر کار آمدند ولی تا پایان عمر امام صادق (ع) حکومت آنها دوران طفولیت خود را میگذرانید، و چون هنوز پایه‌های آن محکم نگردیده بود مسلمانان می‌توانستند نفس آزادی بکشند».

امام (ع) از این فرصت کوتاه و زود گذر، و آرامش موقتی میان دو طوفان، حداکثر استفاده را فرمود. او بزرگترین سرمایه‌ای را که می‌توانست در روزهای تاریک آینده این حکومت، بلکه تا هزاران سال بعد، ملت مسلمان را از بدبختیها نجات بخشد در اختیار آنها گذاشت.

او دست یك انقلاب دامنه دار علمی زد و مانند جدش پیغمبر خدا (برای محو آثار جاهلیت که توسط دولت بنی امیه تجدید شده بود) قیام نمود، او با منطق رسا و علم سرشار خود با خرافات و موهومات و انحرافات فکری جنگید.

حافظ «ابن عقده» زیدی، در کتاب خود اسامی کسانی را که از آن حضرت بهره علمی برداشتند جمع آوری کرده که بالغ بر چهار هزار نفر می‌شوند.

حافظ ابو نعیم استغابی، دانشمند معروف سنی، در کتاب «حلیة الاولیاء» می‌گوید: «بسیاری از بزرگان اهل تسنن مانند «ماک بن انس» و «شمسه بن حجاج» و «سفیان ثوری» و «ابن جریر» و «عده‌ای دیگر از محضر آن حضرت استفاده کردند».

ابو عبد الله محدث سنی می‌گوید: «ابو حنیفه از شاگردان آن حضرت بود. ولی شاگردان آن حضرت منحصر به کسانی نبودند که تنها علوم دینی و اسلامی را فرا می‌گرفتند، بلکه افرادی بودند چنانچه در «عین» و «معارف» مسلمان نیز در مکتب آن حضرت پرورش یافتند.

حتی بسیاری معتقدند اگر خلفای عباسی بفکر نشر و توسعه علوم مختلف افتادند برای این بود که از بنی هاشم که با استفاده از سرمایه‌های علمی ائمه هدی (ع) نفوذ عمیقی در افکار عمومی مسلمانان بدست آورده بودند، عقب‌نمانند.

نتیجتاً این هیئت علمی آن بود که درهای دانشگاه‌های اسلامی بروی همگان باز شد؛ حتی از کشورهای خارج، دانشجو یان بدان نگاهها و مراکز علمی مسلمانان روی آوردند و بیکه میزان بزرگه علمی از آن زمان برای ما بیاد کار ماند.

در میان دو طوفان شدید سیاسی

در میان پیشوایان بزرگ دین ما زندگی امام صادق (ع) شکل خاصی دارد که در شرایط و اوضاع کنونی دنیای امروز، می‌تواند بسیار چیزها بماییم آورد.

خاندان بنی امیه و بنی عباس، هر دو برای تحکیم پایه‌های حکومت جابرانه خود ضرورت‌های جبران ناپذیری بر اساس اسلام زدند ولی با این تفاوت که بنی امیه با زمانه‌گان زمان جاهلیت و فسیل‌های دوران کفر و بت پرستی و توحش بودند، و لذا برای رسیدن بمقام شوم خود از هیچ عملی روی گردان نبودند.

یک روز مدینه پایتخت اسلام را غارت و قتل عام نمودند. و روز دیگر خانه خدا، حرم امن اسلام را مورد هجوم و شیطانه خود قرار دادند، ویران کردند، و روزی عم‌ترین فرزندان پیغمبر خدا (س) را با طرز سبانه‌ای و شهید ساختند.

بنی امیه میخواستند با یک حرکت ارتجاعی، مسلمانان را بر زمان جاهلیت سوق دهند و در کالبد افکار پوسیده و فراموش شده آن دوران تاریک، روح تازه‌ای دمند. آنها هرگز روح زمان را درنگ نکرده بودند و بدین دلیل در برابر خورشید تابان اسلام سرعت برآوردند. زندگی آنها دیری نپایید و در برابر طوفان افکار عمومی مسلمانان تاب مقاومت نیاورده ریشه کن شدند. و تاریخ‌نگین و رسوای آنها در لابلای تاریخ اسلام به عنوان درس عبرتی باقی ماند.

بنی عباس از سر نوشت شوم بنی امیه عبرت گرفتند و بتوان حمایت از پیشوایان حق و فضیلت یعنی خاندان پیغمبر قیام کردند، و بجای اشاعه افکار جاهلیت در ظاهر به نشر علم و دانش پرداختند و تا آنجا که توانستند بکارهای خود آب و رنگ اسلامی دادند، ولی آنها نیز برای تأمین منافع کلیشه‌مادی خود از انواع ظلم و ستمها خودداری ننمودند، اما هر چه بود از یک دوران حکومت نسبتاً طولانی بر خوددار شدند.

اما امروز

امروز نه تنها آن رفت و آمد دانشجویان بیگانه در کشورهای اسلامی بچشم نم‌خورد بلکه بیشتر دانشجویان مسلمان برای کسب دانش مجبور شده‌اند کشورهای خود را ترک گفته و خوشه چین خرمن علوم دیگران باشند.

آیا غم‌انگیز نیست ما که وارث چنین میراث بزرگ علمی هستیم در همه چیز نیازمند دیگران باشیم؟

آیا عیب نیست که برای هر کار کوچکی کارشناس از خارج بطلبیم؟

آیا سزاوار است دیگران تمام سنت‌های غلط خود را همراه با علوم و صنایع خود بخورد جوانان ما بدهند، و کار بجائی برسد که حتی بخواهند خط‌میلی و اسلامی ما را که نشانه آن تمدن و فرهنگ کهن است در خط و فرهنگ خود هضم کنند؟

امیدواریم نسل جوان مسلمان - بخصوص پروان مکتب امام صادق علیه السلام - بار دیگر بپاخیزد و چنان انقلاب علمی ایجاد کند که کشورهای اسلامی برای همیشه از دیگران بی‌نیاز گردند، و بازماندگان لایقی برای آن نسل پر افتخار گذشته شوند با امید آرزوی !

ارزش تفکر

علی رضی الله عنه می‌فرماید: طاعات فریضه

«تفکر يك فیهك الاستیصار و یکسبک الاعتبار» .

یعنی: تفکر و تدبیر بینائی و بصیرت‌نورا زیاد و به‌پند و

اعتبارت می‌افزاید .

غرر الحکم ص ۳۵۷